



قیمت‌گذاری دستوری در صنعت فولاد

آسیب‌ها و راهکارها

فهرست

۰۱

مقدمه

۰۷

قیمت گذاری در صنعت فولاد

۰۲

وضعیت صنعت فولاد

۱۱

آسیب‌های قیمت گذاری دستوری

۰۴

آشنایی با فولادسازی کشور

۱۳

راهکارها

۰۵

هزینه‌های سرمایه‌گذاری در فولاد

۱۷

جمع‌بندی



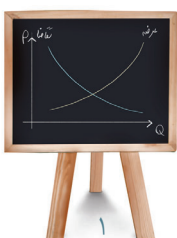
مقدمه

فولاد، به دلیل کاربردهای متنوع آن در ساخت ابزارها و وسایل مورد نیاز انسان، به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین مواد مهندسی شناخته شده و صنعت فولاد شاهرگ حیاتی اقتصاد یک کشور به شمار می‌رود. از آنجاکه فولاد پایه و اساس بسیاری صنایع است، کارایی بازارهای کالا و خدمات نهایی، مانند بخش ساختمان، تولید قطعات خودرو و خودرو، تولید محصولات فلزی، ساخت کشتی، ساخت ماشین‌آلات، زیرساخت‌های نفت و گاز و... به نحوه کارکرد بازار محصولات فولاد بستگی دارد و شرکتهای فولادی از ظرفیت مهمی در زمینه اشتغالزایی، درآمد صادراتی، درآمدهای مالیاتی و نوآوریها برخوردارند.

قیمتگذاری دستوری در صنعت مادری همچون فولاد، اثرات دومینواری بر سایر صنایع کشور گذاشته است و با عنایت به جایگاه این صنعت، هرگونه تصمیم دولت در خصوص تغییر قیمت فرآوردههای فولادی به سایر صنایع سرریز خواهد شد. صنعت فولاد، به نسبت سایر صنایعی که در سلسله گزارشهای طرح حذف قیمتگذاری دستوری بررسی شد، از نظر نزدیک بودن قیمت‌های جهانی به قیمت بازار وضعیت نسبتاً بهتری دارد. بعلاوه اینکه، بورس کالا به کشف قیمت این فرآورده، کمک بسیاری کرده و قیمت معاملات، معمولاً در نزدیکی قیمت جهانی و بازارهای داخل است؛ لذا اصلی‌ترین مسئله این گزارش، پاسخ به این سوال است که با وجود نزدیکی قیمت در بازارهای مختلف، لزوم وجود قیمتگذاری دستوری در این صنعت چیست و چرا باید چنین مکانیزمی سبب ایجاد رانت‌های عظیم به دلالت و واسطه‌گران شده و مداخلات دولت، اینگونه بخشی از رفاه جامعه را از بین ببرد؟

اصلاحات در این دوره زمانی، هنگامی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم در دوران بعد از همه‌گیری کرونا، افزایش فعالیت‌های ساختمانی، بهبود بخش تولید و متعاقباً افزایش تقاضا و تولید انواع ماشین‌آلات، افزایش تولید محصولات فلزی و تجدید تقاضا در راستای بهبود اقتصاد جهانی اتفاق خواهد افتاد. این روند، تقاضا برای فولاد را افزایش خواهد داد. لذا برای حرکت در کنار سایر قطب‌های فولاد جهان، باید اصلاح جدی در مداخلات دولت صورت گیرد تا از آسیب‌های وارده بر این صنعت جلوگیری شود.

در این گزارش، ابتدا وضعیت فعلی صنعت فولاد و نحوه کشف قیمت فعلی را بررسی و در گام بعد، پس از آشنایی با ابعاد مختلف زنجیره تولید فولاد، پیشینه تاریخی قیمتگذاری در صنعت فولاد را مورد ارزیابی قرار داده و صورت‌های مالی شرکت‌های بزرگ در این حوزه را بررسی می‌کنیم. در گام بعد به بررسی ایرادات روند قیمتگذاری دستوری در بازار فولاد پرداخته و در گام نهایی گزارش سعی در ارائه راهکارهایی در خصوص بهبود فرایند قیمتگذاری در صنعت فولاد داشته و در دو بعد کوتاه مدت و بلند مدت راهکارهای سیاستی لازم در خصوص حذف این شیوه غلط در کشف قیمت را مطرح خواهیم کرد.



وضعیت صنعت فولاد

صنعت فولاد ایران در حال حاضر جزو ده قدرت برتر فولاد دنیا محسوب می‌شود. برای آنکه بتوان مقایسه‌ای بین ایران و سایر کشورهای قدرتمند در زمینه تولید فولاد داشت، بهتر است ابتدا به جدول ۱ نگاهی اجمالی بیندازیم.

جدول ۱: تولید جهانی فولاد در سال ۲۰۲۱ (انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران)

کشور	تولید در Jan-Jul 2021 معادل میلیون تن	رشد نسبت به سال گذشته (درصد)	درصد از کل تولید فولاد دنیا تا اتمهای ۲۰۲۰
چین	۶۴۹.۳	۸	۵۳.۳
هند	۶۸	۲۸.۷	۶
ژاپن	۵۶.۱	۱۶.۲	۵.۳
آمریکا	۴۹.۵	۱۸.۵	۴.۷
روسیه	۴۴.۹	۹.۳	۳.۸
کره جنوبی	۴۱.۳	۸.۷	۳.۸
آلمان	۲۳.۶	۱۸.۹	۲.۱
ترکیه	۲۲.۹	۱۷.۷	۱.۸
برزیل	۲۱.۰	۲۲	۱.۷
ایران	۱۷.۸	۹.۹	۱.۴

همانطور که مشخص است، ایران جزو ۱۰ کشور برتر تولید کننده فولاد دنیا است و همواره این ثبات در تولید در سال‌های اخیر نیز حفظ شده است. حتی با شیوع کرونا در سطح دنیا، خللی در جایگاه کشور وارد نشده است. در دوران شیوع کرونا که بر همه بخش‌های اقتصادی خلل وارد شد، بطور کلی کشور ما رشد متوسطی بین قدرت‌های تولید فولاد دنیا را تجربه کرده است. به علاوه، باید مشکلات قطعی برق و ایجاد وقفه در تولید را نیز باید به سدهای افزایش تولید اضافه کنیم. در دوران همه‌گیری کرونا، بازار جهانی فولاد در سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۱.۷ میلیارد تن برآورد شد، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۶ به اندازه تجدید نظر شده ۲.۲ میلیارد تن برسد. توسعه حمل و نقل، افزایش فعالیت‌های ساختمانی، حرکت مداوم به سمت شهرنشینی و باقی موارد، همگی سیگنال‌های افزایش تقاضای جهانی در فولاد را صادر می‌کند. ساخت‌وساز، بزرگترین بخش استفاده از صنعت فولاد است. وضعیت صنعت ساختمان در هر منطقه جغرافیایی، اعم از ساخت و سازهای جدید و همچنین بازسازی، تأثیر زیادی بر مصرف فولاد دارد. فولاد مورد استفاده در بخش ساخت و ساز از الزامات استاندارد عملکرد بالا، مقاومت در برابر خوردگی و حفاظت در برابر آتش پیروی می‌کند. پیش‌بینی می‌شود ساخت و ساز، یکی از بخش‌های مورد توجه برای صنعت فولاد، با $CAGR$ ۳.۵٪ رشد کند و به ۹۹۲ میلیون تن برسد. همچنین رشد بخش ماشین‌آلات در دوره ۷ ساله بعدی به $CAGR$ ۴٪ برسد. این بخش در حال حاضر سهم ۱۸.۲ درصدی از بازار جهانی فولاد را به خود اختصاص داده است.

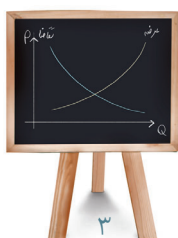


نیاز به تولید ماشین‌آلات سبک و بدون زنگ، باعث تقاضای فولاد در صنعت ماشین‌آلات می‌شود. همچنین تقاضای زیادی برای صفحات فولادی با مقاومت بالا و قابلیت جوش‌پذیری، شکل‌پذیری و چقرمگی در دمای پایین وجود دارد. بعلاوه حرکت مداوم شهرنشینی، افزایش تقاضا برای انرژی و آب از دیگر عوامل اصلی رشد در بازار است. بعد از آن که در خصوص آینده مصرفی فولاد تحلیلی اجمالی صورت گرفت، بد نیست به آمار مصرفی در چند سال اخیر نگاه ویژه‌تری شود. جدول ۲ مصرف ظاهری فولاد در سال ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مصارف فولاد دنیا در سال ۲۰۱۹

نام کشور	درصد مصرف از کل مصرف جهان
چین	۵۱.۳
نفتا (امریکا، کانادا و مکزیک)	۷.۶
سی ای اس ^۲	۳.۳
اتحادیه اروپا	۹
کشورهای اروپایی خارج از اتحادیه	۱.۹
ژاپن	۳.۶
هند	۵.۷
کشورهای آسیایی جز هند	۹.۹

همانطور که مشخص است حجم استفاده از فولاد در کشور ما نیز عدد قابل توجهی است؛ اما به نسبت سایر کشورها در سطوح بالای مصرفی قرار نداریم. لذا باتوجه به ظرفیت‌های موجود در بیشتر محصولات فولادی با مازاد تولید مواجه هستیم. علاوه بر اهمیت آمار و شواهد تولید و مصرف فرآورده‌های فولادی، پیش‌بینی قیمت جهانی فولاد نیز حائز اهمیت است. با تضعیف قدرت دلار به دلیل خلق پول گسترده در امریکا در ۲۰۲۱، پیش‌بینی می‌شود در کوتاه مدت قیمت کامودیتی‌ها افزایش پیدا کرده و در نتیجه افزایش قیمت جهانی فولاد را شاهد باشیم. اما بررسی و تخمین قیمت‌های داخلی، وابستگی کامل با قیمت ارز داشته و بسته به سیاست‌های اعمالی و تراز تجاری کشور، می‌توان در خصوص قیمت فولاد اظهار نظر کرد. اما بطور کلی با توجه به روند روبه رشد تقاضای فولاد و طرح‌های ملی مسکن‌سازی، پیش‌بینی افزایش قیمت فولاد نمی‌تواند پیش‌بینی بیراهه‌ای تلقی شود.



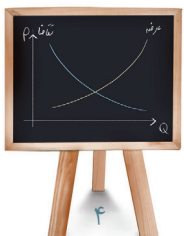
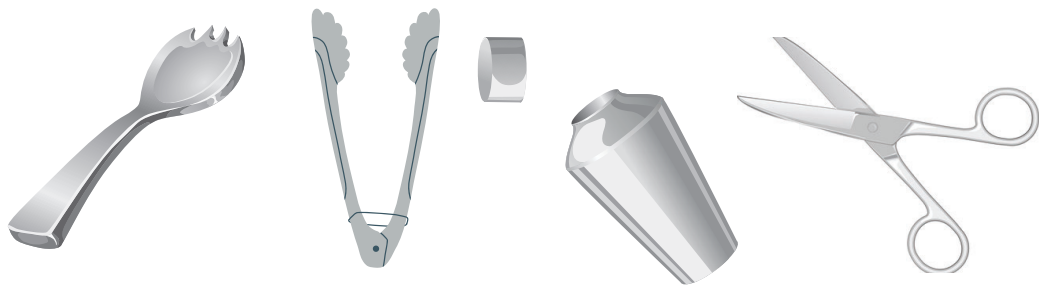
۲. اتحادیه کشورهای مستقل هم‌سود یا کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (به اختصار C.I.S): اتحادیه‌ای شامل برخی جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق است. تأسیس این اتحادیه به دست رؤسای مملکتی کشورهای روسیه، بلاروس و اوکراین بود. مرکز اصلی آن در مینسک پایتخت بلاروس است و نشست‌های آن در کاخ تاوری در سن پترزبورگ انجام می‌شود.



آشنایی با فولادسازی کشور

سنگ آهن ماده اولیه فولاد است و محصول نهایی آن به دو بخش تخت و طویل تقسیم بندی می شود. بخش تخت، از ورق تولید می شود و معمولا کاربردهای صنعتی مانند ورق خودرو، ورق لوازم خانگی و ورق سازه های بزرگ دارد. محصولات طویل معمولا ساختمانی هستند. فولاد تخت با نام اسلب و فولاد طویل با نام بیلت و بلوم نامگذاری می شود و تقریباً در ایران تولید هر دو برابر است. جداسازی محصول نهایی در فولاد خام اتفاق می افتد؛ یعنی، یک مرحله قبل از محصول نهایی، جداسازی انجام می شود. به دلایل کابردی، معمولا خانواده ورق فولادی، صرفه اقتصادی بیشتری داشته و همچنین سرمایه گذاری های هنگفتی نیز می طلبد. در ایران نیز سرمایه گذاری در تولید ورق با توجه به تقاضای آن صرفه مقیاس و نرخ بازگشت سرمایه آن توجیه اقتصادی دارد. اما با توجه به وجود بازار انحصاری، در این بخش امکان ورود آزادانه سرمایه گذاران و رقابت با فولاد مبارکه اصفهان سخت می باشد. بقیه کارخانه های ایران همگی در بخش فولاد طویل کار می کنند و در حالی که در فولاد طویل حتی با مازاد تولید مواجهیم؛ احتیاج مبرم به تولید ورق تخت وجود دارد.

در فرایند تبدیل سنگ آهن به فولاد خام نیز در دنیا دو روش وجود دارد: روش کوره بلند به وسیله کربن و روش گاز طبیعی که در کوره های احیا مستقیم انجام می شود. در ایران ذوب آهن اصفهان با کک و کربن و باقی کارخانجات با گاز طبیعی کار می کنند.



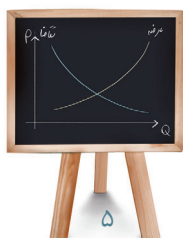
هزینه‌های سرمایه‌گذاری در فولاد

عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری و تولید فولاد خام عمدتاً بستگی به موارد مختلفی دارد. هزینه نیروی انسانی یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر قیمت تمام شده محصول است. هزینه هر ساعت نیروی کار (نفر ساعت بر تن تولید) تعیین‌کننده میزان و سهم هزینه نیروی انسانی در تولید است. در یک کشور، به صرف پایین بودن دستمزدها نمی‌توان گفت تولیدکننده از نظر نیروی انسانی در تولید آن محصول دارای مزیت است؛ زیرا کشورهایی از این مزیت برخوردارند که کمترین سهم هزینه نیروی انسانی در تولید را دارند. میانگین جهانی سهم نیروی انسانی در هزینه تولید فولاد به روش کوره بلند ۲۸ تا ۳۰ درصد و در تولید به روش احیا مستقیم حدود ۲۲ تا ۲۴ درصد است.

در کشورهای واردکننده سنگ آهن، سهم هزینه سنگ آهن در تولید فولاد بالاست؛ در حالی که این میزان در کشورهای تولیدکننده سنگ آهن کمتر است. به طور مثال سهم هزینه سنگ آهن در هزینه نهایی فولاد، در کشورهای ژاپن و آمریکا بیش از دو برابر سهم آن در برزیل است. این وضعیت در مورد زغال و کک در تولید فولاد به روش کوره بلند نیز صادق است. متوسط سهم هزینه‌های سنگ آهن حدود ۱۰ تا ۱۱ درصد در تولید به روش کوره بلند است.

در روش احیا مستقیم هزینه انرژی، شامل گاز طبیعی و الکتریسیته، تأثیر بسزایی در هزینه تمام شده فولاد خام دارد. در تولید آهن اسفنجی، گاز طبیعی، علاوه بر مصرف به عنوان انرژی، نقش احیاکنندگی نیز دارد. احیا سنگ آهن در کوره بلند با استفاده از کک صورت می‌گیرد. تأثیر انرژی بر هزینه تولید هر تن فولاد و استفاده بهینه از انرژی و بازیابی آن نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در کاهش قیمت تمام شده هر تن فولاد تولیدی دارد؛ به طوری که در روشهایی که بازیابی در حد بالایی صورت می‌گیرد، این امر نقش بسزایی در کاهش هزینه خواهد داشت. سهم هزینه‌های الکتریسیته در تولید به روش کوره بلند حدود ۵ درصد و در روش احیا مستقیم حدود ۱۰ درصد است؛ در حالی که سهم هزینه گاز در تولید به روش کوره بلند تقریباً ناچیز و قابل صرف نظر است ولی در روش احیا مستقیم به حدود ۱۱ درصد میرسد.

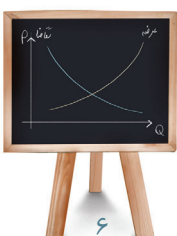
تولید آهن و فولاد به تکنولوژی و ماشین‌آلات متنوعی نیازمند است. داشتن دانش فنی و تکنولوژی روز، موجب کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری به ازای هر تن ظرفیت تولید فولاد خام و در نتیجه کاهش نیاز به سرمایه و متعاقب آن کاهش هزینه‌های استهلاک در قیمت تمام شده محصول می‌شود. از مهمترین مشکلات جهان سوم و از جمله ایران در زمینه ایجاد ظرفیت‌های تولید فولاد خام، عدم برخورداری از تکنولوژیهای لازم و متعاقب آن عدم توان تأمین و ساخت تجهیزات مهم آن است که به این ترتیب هزینه‌های سرمایه‌گذاری بسیار زیاد خواهد بود. اگرچه بعضی از مراحل تولید فولاد خام به روش احیا مستقیم در داخل کشور به نوعی بومی شده است (که از آن جمله میتوان به طرح زمزم اشاره کرد)، اما همین موارد اندک نیز همچنان ملزم به پرداخت حق لیسانس کشور مبدأ بوده و استقلال کامل ندارد. لازم به ذکر است که هزینه‌های تولید فولاد در جهان با توجه به تغییرات تکنولوژی همواره سیر نزولی داشته است.





بدون شك هر نوع سرمایه‌گذاری در زمینه احداث واحدهای فولادسازی نیازمند منابع لازم ارزی و ریالی است. روش‌های تأمین سرمایه در جهان فراوان و متنوع است. سرمایه‌گذاری‌های مشترك، دریافت وام‌های درازمدت یا کوتاه مدت، تأمین سرمایه به روش بیع متقابل یا فروش سهام و تأمین سرمایه لازم از طریق سهامداران و یا وام‌های داخلی از جمله این روش‌هاست. علاوه بر اینها، تأمین سرمایه لازم از طریق درآمدهای عمومی دولت‌ها یا سود شرکت‌های تولیدکننده و توانمند در زمینه فولادسازی نیز می‌تواند در ایجاد واحدهای جدید تأثیرگذار باشد. البته استفاده از هر يك از روش‌های تأمین سرمایه به دلیل هزینه‌های مرتبط با هريك از آنها، سبب افزایش قیمت تمام شده محصول نهایی می‌شود. در حال حاضر در جهان سهم هزینه‌های مالی مانند نرخ بهره در قیمت‌های تمام شده فولاد در حدود ۱ تا ۲ درصد است. ولی متأسفانه در ایران این نسبت به دلیل استفاده از وام‌های داخلی و تسهیلات بانکی یا استفاده از وام‌های خارجی با نرخ‌هایی بالاتر از نرخ‌های رایج در جهان، بسیار بالاست. از دیگر عوامل تأثیرگذار در قیمت تمام شده محصول نهایی، توان کشورهای مختلف در بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده است. اگرچه این توانایی تا حدودی در مسأله هزینه و نقش نیروی انسانی در تولید نیز خود را نشان می‌دهد؛ اما علاوه بر آن، استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده با استفاده کامل و بهینه از تمامی امکانات و توانایی‌ها از جمله این عوامل است. کشورهای توسعه‌یافته، از حداکثر ظرفیت‌ها با حداقل هزینه‌ها استفاده می‌کنند. مثلاً در ژاپن تقریباً ۱۰۰ درصد گاز کوره بلند بازیابی می‌شود و در نتیجه، مصرف گاز طبیعی در تولید فولاد این کشور بسیار ناچیز است.

تعمیر و نگهداری بهینه و مناسب واحدها، کاهش مؤثر هزینه‌ها و افزایش تولید در ظرفیت‌های اسمی واحدها را به‌دنبال خواهد داشت. از اصلی‌ترین عوامل در افزایش توان کشورها برای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها، استفاده از روش مدیریت مدرن در کاهش بوروکراسی، حذف هزینه‌های زائد اداری، توزیع و فروش، تولید در مقیاس بالا، بهره‌وری بالا، رقابت در بازارهای داخلی و خارجی و... است. برخی کشورهای جهان در این مورد، دارای ضعف اساسی هستند؛ زیرا نه تنها این عدم کارایی در واحدهای تولیدی به چشم می‌خورد، بلکه مشکلات بیشتر را عدم مدیریت پویا و توانا در واحدهای پشتیبانی ستادی دستگاه‌های اجرایی آن کشورها ایجاد کرده‌اند. علاوه بر موارد گفته شده، تولید در مقیاس‌های بالا نیز در کاهش هزینه‌های تولید محصول بسیار مؤثر است. ایجاد واحدهای با ظرفیت‌های بالا، نیازمند داشتن توان مدیریتی و پشتیبانی‌های منظم از يك طرف و امکان تأمین سرمایه، مواد اولیه و فروش محصول در بازارهای جهانی از طرف دیگر است که شرکت‌های چند ملیتی و جهانی در این زمینه مزیت زیادی دارند. همچنین ورود به بازارهای جهانی و تعیین سهم‌های پایدار از بازار فروش، مستلزم ثبات سیاسی حکومت‌ها و تعریف روابط سیاسی آن کشور در اقتصاد و جایگاه جهانی است.



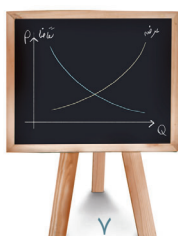
حجم حمل و نقل مواد اولیه آهن و فولاد حدود ۳ تا ۴ برابر میزان فولاد تولیدی است. اگر فاصله مراکز تولید مواد اولیه تا مراکز تولید و مصرف فولاد کم باشد، هزینه تمام شده کاهش می‌یابد. این وضعیت در کشورهای پهناور و کشورهایی که ساختار زیربنایی جامع و کاملی ندارند بیشتر خودنمایی می‌کند. استفاده از راه‌های آبی در درجه اول و راه‌آهن به منظور حمل و نقل مواد اولیه و محصول باعث کاهش قابل توجه این هزینه‌ها می‌شود. به همین علت، بیشتر مراکز تولید فولاد در جهان، در مجاورت منابع مواد اولیه یا در مناطق بندری احداث می‌شوند. اگرچه در بیشتر کشورهای جهان، حمل و نقل ریلی پس از راه‌های آبی مهمترین روش حمل و نقل مواد حجیم است؛ اما در ایران هزینه‌های حمل و نقل ریلی بیشتر از جاده‌های است.



قیمت‌گذاری در صنعت فولاد

خوشبختانه استفاده از مکانیزم بورس در صنعت فولاد ایده‌های جاافتاده است و قبل از دولت یازدهم، بورس فلزات شکل گرفته بود. عرضه محصولات شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های بزرگ، به دلیل بحث ترک تشریفات و لابی‌گری در مزایده‌ها، از نظام حواله‌ای به بورس تغییر کرد. بنابراین قیمت‌گذاری دستوری از قالب حواله‌ای خارج شد و در بورس کالا قرار گرفت. تا سال ۹۶ شرکت‌های فولادی محصولات خود را به صورت منظم و مستمر در بورس کالا عرضه می‌کردند. از اواخر سال ۹۶ و با بالا رفتن قیمت دلار، دولت دخالت دستوری در بازار را با هدف کاهش نرخ سایر کالاها، از سر گرفت. در جدول ۳ ظرفیت‌ها و میزان نیاز تولیدکنندگان محصولات فولادی، با اطلاعات سال ۹۸ مشاهده می‌شود. این جدول عدم توازن بازار فولاد را به خوبی نشان می‌دهد. جایی که تقریباً در اغلب بخش‌ها با مازاد ظرفیت روبرو هستیم.

جدول ۴ ظرفیت‌های بخش‌های مختلف صنعت فولاد را با یکدیگر مقایسه می‌کند که بر اساس داده سال ۹۸ انجمن تولیدکنندگان فولاد و با فرض ادامه روند فعلی، پیش‌بینی خود از ظرفیت‌های سال ۱۴۰۴ را اعلام کرده‌اند. این جدول نشان می‌دهد ادامه دادن روند فعلی می‌تواند مشکلات اساسی‌تری به ارمغان آورد.



جدول ۳: ظرفیت ها و میزان نیاز تولیدکنندگان (انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران)

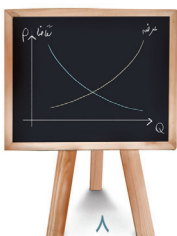
(واحد: میلیون تن)	کنسانتره	گندله	آهن اسفنجی	بیلت و بلوم	اسلب	مقاطع طویل
ظرفیت واحدهای فعال	۵۸/۱	۵۳/۲	۳۵/۳	۲۴/۸	۱۲	۲۸/۴
تولید ۱۳۹۸	۴۷/۳	۴۱/۸	۲۷/۹	۱۶/۸	۱۰/۴	۱۰/۲
ضریب بهره برداری	۸۱	۷۹	۷۹	۶۸	۸۷	۳۶
میزان نیاز کشور	۴۰/۴	۴۰/۴	۲۶/۹	۱۰/۷	۸/۷	۷/۷
میزان کسری/مازاد	۶/۹	۱/۴	۱/۰	۶/۱	۱/۷	۲/۵

- مبنای جدول فوق بر اساس اطلاعات سال ۹۸ می باشد.
- میزان ۴/۴ خودمصرفی واحدها می باشد.

بیش از ۲۲ میلیون تن کسری سنگ آهن در افق ۱۴۰۴، زنگ خطر بزرگی برای تامین مواد اولیه زنجیره فولاد کشور است که دلیل اصلی آن، سرمایه‌گذاری شرکت‌های معدنی در حلقه‌های پایین دستی و فولادسازی به جای اکتشاف و استخراج و تولید مواد اولیه معدنی است. در افق ۱۴۰۴، علاوه بر سنگ آهن، شاهد کمبود گندله و آهن اسفنجی هم خواهیم بود که تحقق اهداف تولید فولاد را با چالش جدی مواجه می‌سازد و قطعاً در روند قیمت فولاد نیز مؤثر خواهد بود. لذا لازم است به اکتشاف و استخراج سنگ آهن و تامین مواد اولیه فولادسازان، به‌طور ویژه توجه شود.

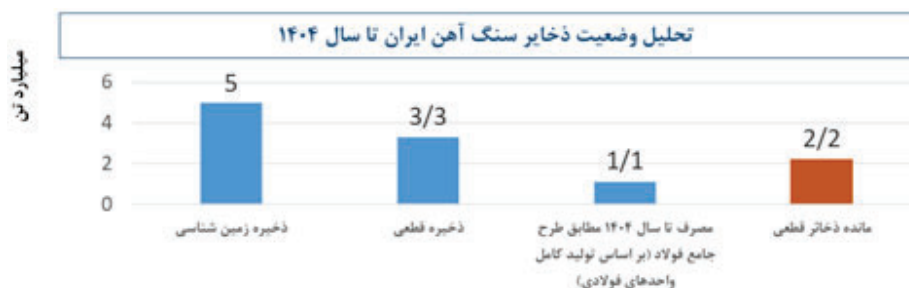
جدول ۴: ظرفیت‌های گذشته و آتی صنعت فولاد

(واحد: میلیون تن)	سنگ آهن	کنسانتره	گندله	آهن اسفنجی	فولاد میانی
ظرفیت اسمی ۱۴۰۴	۱۶۰	۸۰	۷۶	۵۳	۵۵
تولید واقعی ۱۳۹۸	۹۵	۴۷,۵	۴۱,۵	۲۸	۲۷,۲
پیش‌بینی تولید ۹۹	۱۱۰	۶۲	۵۶	۴۰	۳۸
طرح‌های قابل تحقق تا افق ۱۴۰۴	۱۶۲	۲۳,۲	۲۰,۳	۹,۱	۱۸,۶
مازاد/کسری ظرفیت در ۱۴۰۴	-۲۲	۱,۳	-۲,۵	-۸,۷	۰,۳



در صورت تولید ۵۵ میلیون تن تولید فولاد خام در افق ۱۴۰۴ و تولید کامل مطابق برنامه واحدهای فولادی بیش از ۱.۱ میلیارد تن سنگ آهن مصرف می‌شود. بنابراین با استخراج سالیانه ۱۶۲ میلیون تن سنگ آهن، ذخایر کشور تقریباً تکافوی حدود ۱۴ سال بعد از افق ۱۴۰۴ را دارد.

نمودار ۱: پیش‌بینی وضعیت مواد اولیه صنعت فولاد

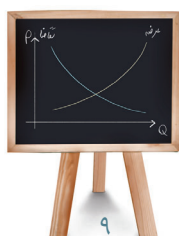


پس از بررسی ظرفیت‌های گذشته و آتی بخش‌های مختلف زنجیره فولاد، لازم است با تولیدکنندگان اصلی صنعت نیز آشنا شویم. عمده تولیدکنندگان فولاد کشور، سه شرکت فولاد مبارکه، فولاد خوزستان و ذوب آهن هستند. بررسی صورت‌های مالی تلفیقی تولیدکنندگان عمده فولاد کشور، منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ نشان می‌دهد مواد اولیه و مصرفی به‌طور متوسط، ۷۵ درصد هزینه تولید فولادسازان را به خود اختصاص داده است. سهم حقوق و دستمزد نیروی انسانی در سبد هزینه شرکت‌های بزرگ فولادی قابل توجه است. علیرغم حقوق پایین نیروی کار در ایران، نسبت به سایر کشورها، به دلیل مازاد نیروی انسانی در شرکت‌های فولادی، مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۸، سهم حقوق و دستمزد در هزینه‌های تمام شده تولید، به‌طور متوسط ۱۱ درصد است. بالابودن سطح هزینه نیروی کار در این سه شرکت باعث شده منابع کافی جهت سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید و ارتقاء تکنولوژی تولید در این شرکت‌ها وجود نداشته باشد. نکته دیگر اینکه به دلیل فضای انحصاری تولید فولاد در کشور، تولیدکنندگان عمده که دولتی نیز هستند، نیازی به بهبود کارایی تولید نمی‌بینند؛ زیرا سهم آنها در بازار تضمین شده است.

جدول ۵ به طور خلاصه، تکنولوژی استفاده شده، انرژی عمده مصرفی، محصولات و سهم انرژی از تولید سه تولیدکننده اصلی فولاد را نشان می‌دهد.

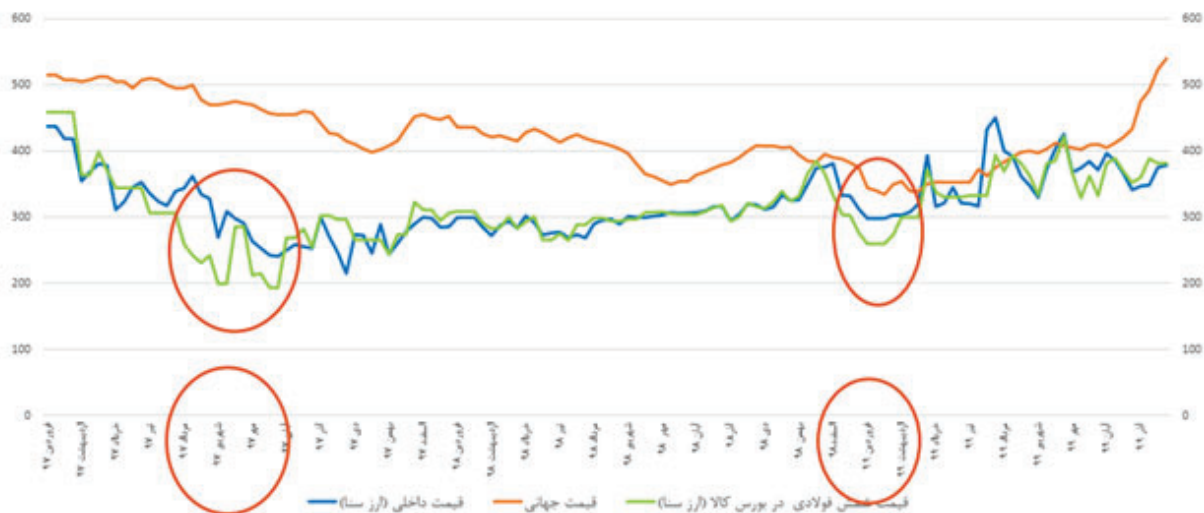
جدول ۵: تکنولوژی استفاده شده، انرژی عمده مصرفی، محصولات و سهم انرژی از تولید سه تولیدکننده اصلی فولاد (مأخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۹۸)

ردیف	شرح	انرژی عمده مصرفی	تکنولوژی	محصولات	سهم انرژی از هزینه‌های تولید (%)
۱	فولاد مبارکه	گاز طبیعی / برق	احیا مستقیم	شمش / ورق	۹/۸
۲	فولاد خوزستان	گاز طبیعی / برق	احیا مستقیم	شمش	۸/۳
۳	ذوب آهن	برق	کوره بلند	شمش / میلگرد/تیرآهن	۳/۱



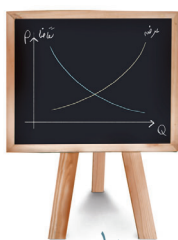
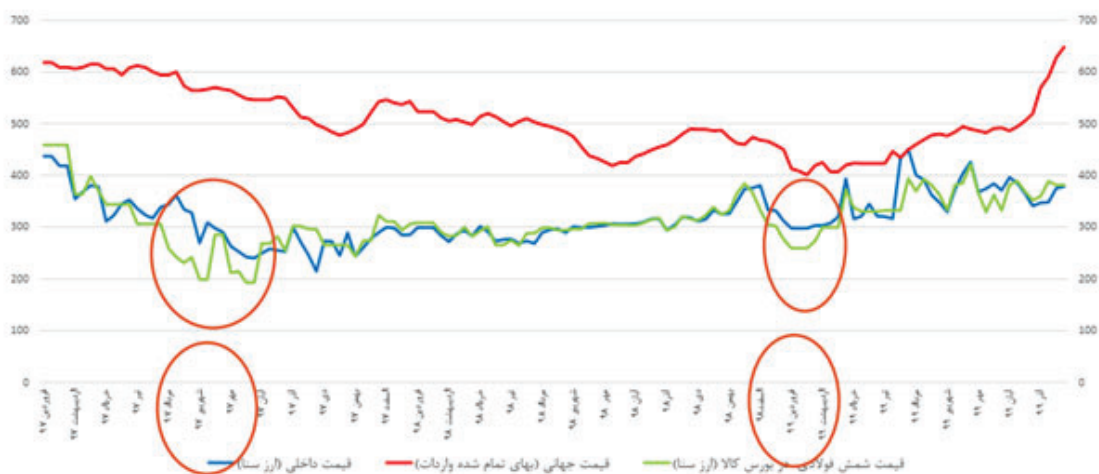
در خصوص سوابق قیمت گذاری صنعت فولاد، همانطور که اشاره شد، تغییر نظام حواله‌ای گام بزرگی در قیمت گذاری فولاد تلقی می‌شود؛ اما کماکان دست کاری قیمتی و دخالت در مکانیزم بازار در سالیان اخیر، سبب بروز مشکلاتی، از جمله کمبود برخی محصولات، حتی محصولاتاتی که تولید آن‌ها بیشتر از نیاز کشور است، شده است. نمودار ۲ روند قیمت داخلی، جهانی و بورس شمش فولادی در ۳ سال اخیر نشان می‌دهد.

نمودار ۲: روند قیمت داخلی، جهانی و بورس شمش فولادی در ۳ سال اخیر



همانطور که ادعا شد، در سال‌های اخیر، قیمت جهانی با قیمت داخلی کشور به یکدیگر همگرا شده‌اند و همین نکته سبب شده تا طراحی بازاری بدون دخالت دولت در این صنعت به مراتب آسانتر از سایر صنایع باشد. اما تاکنون، بازار شاهد دخالت‌های اشتباه از سوی دولت و قیمت گذاری دستوری بوده و حتی در برخی موارد، قیمت داخلی از قیمت جهانی فراتر رفته است. همچنین برای مقایسه بهتر می‌توان این قیمت‌ها با بهای تمام شده واردات نیز مقایسه کرد. نمودار ۳ که بر اساس داده‌های انجمن تولیدکنندگان فولاد بدست آمده است، این مقایسه را نمایش می‌دهد.

نمودار ۳: روند قیمت داخلی، جهانی (بهای تمام شده واردات) و بورس شمش فولادی در ۳ سال اخیر



بیشترین نوسانات در قیمت بورس کالا و بازار فولاد در سال ۹۹ رقم خورده است که به دلیل عدم اتخاذ سیاست‌های هماهنگ، یکپارچه و بلند مدت در مدیریت بازار فولاد بوده است. دخالت‌های بی‌مورد در مکانیزم بازار اولین باری نیست که رخ می‌دهد و متأسفانه کماکان با کوهی از تجربه‌های شکست خورده این سیاست پیش گرفته می‌شود.

آسیب‌های قیمت‌گذاری دستوری

پس از آنکه دولت با هدف جلوگیری از رشد قیمت‌ها و به دلیل افزایش نرخ ارز، اقدام به دخالت در بازار و اعمال قیمت‌گذاری دستوری و اتخاذ برخی سیاست‌ها مانند جلوگیری از صادرات نمود، همانگونه که پیش‌بینی‌های به عمل آمده مبتنی بر طبق تجربه‌های گذشته تصریح داشتند، هیچ اتفاق مثبتی رخ نداد. این سیاست‌ها نه تنها جلوی افزایش قیمت‌ها را نگرفت، بلکه مسبب پرش‌های قیمتی متعددی نیز شد. در اواخر سال ۹۶، قیمت میلگرد ۳۵۰۰ تومان بود، در حالی که این قیمت در شهریور ۱۴۰۰ به حدود ۱۵۷۰۰ تومان رسیده است. همین مثال برای شکست پروژه قیمت‌گذاری دستوری به منظور جلوگیری از قیمت‌ها کفایت تا به ناکفایتی این سیستم پی ببریم. سیاست قیمت‌گذاری که در خصوص جلوگیری از پرش‌های قیمتی اعمال شده قیمت تمام شده بعلاوه مقداری سود است که تمامی کارشناسان صنعت فولاد اتفاق نظر دارند این شیوه تأثیری بر رفع کمبودهای داخلی نخواهد گذاشت.

برای ارائه شواهدی در خصوص ایجاد کمبودها در حالتی که قیمت‌گذاری دستوری اعمال گردد با تحلیل زنجیره فولاد شروع می‌کنیم. در ابتدای زنجیره ورق اسلب وجود دارد. ورق اسلب فولادی تبدیل به ورق گرم فولادی می‌شود و سپس ورق گرم به ورق سرد تبدیل می‌شود و نهایتاً ورق سرد به ورق گالوانیزه تبدیل می‌شود. در کشور ما مازاد ورق گالوانیزه وجود دارد و در شهریور ۱۴۰۰ حدود دو برابر نیاز داخلی تولید اتفاق می‌افتد. اما نکته تعجب‌برانگیزتر قیمت محصولات این زنجیره است. قیمت ورق گالوانیزه در بازار ۳۲۰۰۰ تومان و قیمت ورق گرم ۳۱۰۰۰ تومان است. به دلیل تقاضای زیاد و عرضه کم، قیمت ورق سرد بالاتر است و حدود ۳۴۰۰۰ تومان. یعنی محصولی که یک پله فرآوری می‌شود باید با قیمت کمتری در بازار از محصول قبلی خود فروخته شود و این حاصل قیمت‌گذاری دستوری است که دولت در دستور کار قرار داده است.

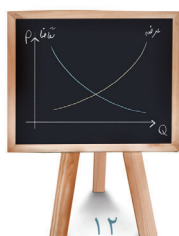


ریشه این مشکلات را باید در دولت‌های قبل جستجو کرد؛ چراکه پیشتر، لابی‌های مختلف سیاسی در این کارخانه‌ها شکل گرفت و ظرفیت زیادی در این محصولات ایجاد شد. به‌طور مثال در پیک مصرف، تقاضای میلگرد در کشور، حدود ۱۰ میلیون تن و در حالت عادی میزان نیاز داخل کشور به میلگرد حدود ۷ الی ۷.۵ میلیون تن بود. اما برای مقاطع طولی که نهایتاً ۱۰ میلیون تن مصرف داخلی داریم، حدود ۳۰ میلیون تن ظرفیت ایجاد شد. در پروفیل که وضعیت به مراتب بدتر است و حدود ۲ میلیون تن میزان مصرف داخلی کشور است و حدود ۲۰ میلیون تن مجوز گرفته شده و کارخانه احداث کرده‌اند. این‌ها گوشه‌ای از سیاست‌های سالیان پیش است که آثار خود را هم‌اکنون نشان می‌دهد. وقتی ظرفیت ایجاد شده مازاد وجود دارد، همیشه صنایع پایین دستی از وزارتخانه، تقاضای مواد اولیه دارند و به طبع آن وزارتخانه‌ها در صدد روش‌های دستوری برای حل این مشکل خواهند بود.

مشکل بعدی قیمت‌گذاری دستوری، در نحوه تولید خودش را نشان می‌دهد. نرخ دستوری و بدون پیروی از بازار حامل‌های انرژی، سبب شده است گاز و برق را با قیمتی کمتر از قیمت تعادلی دریافت کنند و دولت در ازای این کار، شرکت‌ها را موظف به استخدام نیروی کار در حدود سه برابر ظرفیت مورد نیاز می‌کند. این درحالیست که فولاد جزو صنایع انرژی‌بر و سرمایه‌بر تلقی می‌شود و تحمیل نیروی کار بیش از نیاز، سبب افزایش هزینه‌های این شرکت‌ها می‌شود.

اما مهمترین مشکل ایجاد شده رانت و لابی‌گری است که منافع آن برحسب اعمال قیمت‌گذاری دستوری، به دلالت می‌رسد. در چند سال اخیر همواره کسانی که از رانت اطلاعاتی افزایش‌های قیمتی مطلع بوده و یا با لابی‌گری از سهمیه‌های مختلف استفاده می‌کنند، سودهای هنگفتی برده و از طرفی بسیاری کارخانجاتی که فرآورده‌های فولادی، جزئی از نهاده‌های آن‌هاست و از رانت و لابی بهره نمی‌برند، دچار ضررهای شدیدی شده‌اند. متأسفانه قیمت‌گذاری دستوری بستر فسادهای سیستمی را فراهم کرده و تاثیر قیمت‌گذاری بر اساس مکانیزم بازار را در از بین رفتن رانت‌های اطلاعاتی نمی‌توان کتمان کرد.

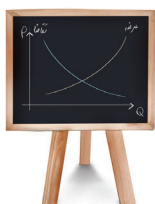
همانطور که از قیمت میلگرد که در ابتدای این بخش سخن آورده شد پیداست، هنگامی که قیمت‌گذاری دستوری اعمال می‌شود، با بروز هر تغییری در قیمت‌ها شوک‌های سنگینی به صنایع وارد می‌شود. این درحالی است که مکانیزم بازار اجازه شوک‌های دفعی (یکباره) را به بازار نمی‌دهد و این فرایند تدریجاً رخ خواهد داد. البته که اصلی‌ترین اقدامات دولت، باید در راستای ایجاد بستر باثبات اقتصادی و تمرکز آن بر رشد و توسعه اقتصادی باشد تا مکانیزم بازار نیز بتواند ایرادات حاصله از قیمت‌گذاری دستوری را جبران کند.



راهکارها

در گام اول مهمترین اقدام، تفکیک سیاستهای تعبیه شده در بخش فولاد تخت از طولیل است. همانطور که اشاره شد، مکانیزم عرضه و تقاضا در این دو بخش با یکدیگر متفاوت بوده و نباید با یک دید به رفع مشکل این دو بخش نگاه کرد. در مقاطع طولیل، همانگونه که مطرح شد، مکانیزم بازار، به سبب مازاد عرضه، سبب تعادل بازار خواهد شد و تنها اقدام مهم دولت، دخالت نکردن در بازار و عرضه محصولات در بورس کالا، بدون شروط محدودکننده برای تولیدکنندگان و خریداران است. این امر سبب به تعادل رسیدن بازار خواهد شد. سپردن مقاطع طولیل به بازار ممکن است این نگرانی را ایجاد کند که کارخانجات با انگیزه صادرات بیشتر، سبب کمبود این مقاطع در بازار داخل شوند؛ اما از آنجا که سهم ما از بازار جهانی مشخص است و با توجه به رقاباتی که وجود دارند، کشور ما نهایتاً قادر است سهم خود از بازار جهانی را ۱ الی ۲ درصد افزایش دهد و توانایی صادرات بیشتر از این وجود ندارد؛ لذا مکانیزم بازار درست عمل خواهد کرد و تقاضای داخل بدون پاسخ نخواهد ماند.

اما در خصوص مقاطع تخت که مشکل اصلی صنعت نیز میباشد، راهکارهای پیشنهادی به دو سطح کوتاه مدت و بلندمدت طبقه بندی میشود. راهکارهای کوتاه مدت راهحل بهینه حل مشکلات نیست؛ اما مانند مسکنی عمل می کند که به شرط اقدامات ممتد دیگر به موازات این راهکار، میتواند اثر خود را در میان مدت نشان دهد. راهکار کوتاه مدت، نظام توزیع مناسب است. برحسب سابقه تاریخی، شرکت فولاد مبارکه به عنوان بزرگترین شرکت تولیدکننده فولاد، برای ظرفیت سنجی اقدام می کرد و بر اساس نیاز و با توجه به عملکرد شرکت هایی که نهادهای تولید آنها فرآورده های فولادی است، سهمیه ای به آنها تخصیص داده می شد. کشف قیمت این محصولات نیز با عرضه بیست درصد محصولات به بورس کالا انجام شده و بر اساس آن قیمت فروش به شرکت های سهمیه گیر مشخص می شد. سپس فرایند مچینگ صورت می گرفت. از سال ۱۳۹۷ به دلیل ایرادهای مبنی بر عدم نظارت دولت بر عرضه محصولات، فرایند مچینگ حذف شد و وزارتخانه سهم شرکت ها را مشخص می کند و خریداری در بورس کالا به صورت عرضه اختصاصی یا عرضه عمومی صورت می گیرد.



ایراد این مدل این است که این بازار سهمیه با کارشناسی دقیق صورت نگرفته و سهمیه‌ها پایش نشده‌اند. لذا بازار سیاهی با حجم انبوهی از رانت تشکیل شده است. از این رو، بهتر است جهت رفع این مشکل در کوتاه‌مدت فرایند مچینگ مجدداً اعمال گردد. البته این بهترین پاسخ در کوتاه مدت است و چنانچه برنامه‌های دیگری به موازات طرح شکل گیرد، علی‌القاعده انتظار داریم در چند سال آینده، این مشکل مرتفع شود و عرضه اختصاصی از بین برود. بطور کلی فرایند مچینگ در کوتاه مدت با اولویت‌بندی میان کارخانجات مختلف راهکار کوتاه‌مدت است. تولیدکنندگان ورق سرد، صنعت خودرو و لوزام خانگی در رده نخست اولویت مچینگ ورق گرم قرار می‌گیرند. بقیه صنایع در عرضه عمومی نیاز خود را برطرف می‌کنند. دقت شود که این دخالت در قیمت‌گذاری بازار اتفاق نمی‌افتد و در کوتاه‌مدت هم از طریق فرایند بورس کالا و بدون دخالت دولت انجام خواهد شد. تنها در کوتاه‌مدت تخصیص کارشناسانه سهمیه‌ها به منظور رفع مشکلات صنایع مختلف باید صورت گیرد.

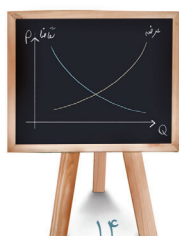
جدول ۶: میزان تولید و عرضه به بورس کالا از فروردین تا انتهای شهریور ۱۴۰۰ (منبع سایت کدال)

	ذوب آهن اصفهان		فولاد مبارکه اصفهان		فولاد خوزستان	
	دوره ۶ ماهه تا شهریور ۱۴۰۰	دوره یک‌ماهه شهریور ۱۴۰۰	دوره ۶ ماهه تا شهریور ۱۴۰۰	دوره یک‌ماهه شهریور ۱۴۰۰	دوره ۶ ماهه تا شهریور ۱۴۰۰	دوره یک‌ماهه شهریور ۱۴۰۰
بورس کالا (تن)	۴۴۵۷۱۲	۵۸۴۰۴	۲۴۰۴۹۰۰	۳۶۴۱۶۰	۵۲۳۲۰۰	۳۵۰۰۰
تولید (تن)	۵۴۴۹۷۹	۹۸۶۴۴	۳۵۹۹۰۰۰	۵۷۵۰۰۰	۶۰۲۷۸۴	۱۰۹۹۱۸
درصد عرضه	۸۱٫۷۸	۵۹٫۲۰	۶۶٫۸۲	۶۳٫۳۳	۸۶٫۶۴	۳۱٫۸۴

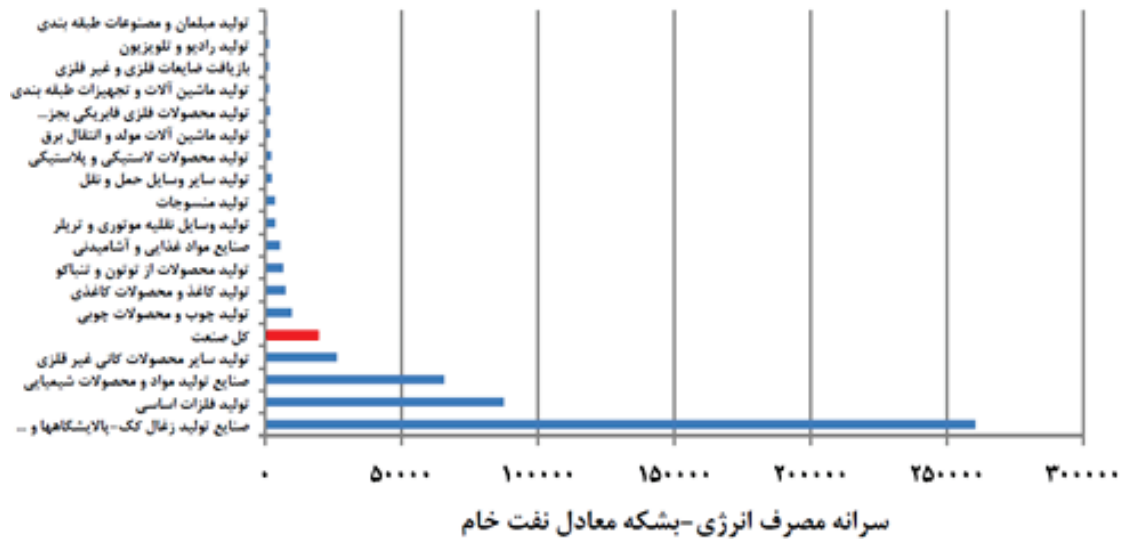
راهکار اصلی بلندمدت در مقاطع تخت، افزایش ظرفیت‌هاست. به موازات افزایش ظرفیت‌ها باید حذف تدریجی سهمیه‌ها صورت گیرد و این سیاست نباید بصورت دفعی اتفاق افتد و وجود شیبه ملایم در اجرای آن ضروری است. در حوزه ظرفیت‌سازی با راه‌اندازی فولاد گل‌گهر تا حدودی این مشکل در سال‌های آینده حل می‌شود و بعلاوه به تدریج با حذف سهمیه‌ها مکانیزم بورس کالا تماماً می‌تواند بازار فولاد را مدیریت کند. کما اینکه در حال حاضر هم شرکت‌های فولادی بیشتر تولیدات خود را در آن عرضه می‌کنند. جدول ۶ میزان تولید و میزان عرضه به بورس کالا را برای سه تولیدکننده اصلی فولاد در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد.

همان‌طور که مشخص است در ۶ ماهه نخست تمامی شرکت‌ها دست کم ۶۰ درصد تولیدات خود را در بورس کالا به فروش رساندند و برای دوره یک‌ماهه شهریور ماه نیز ذوب آهن اصفهان حدود ۶۰ درصد، فولاد مبارکه اصفهان حدود ۶۳ درصد و فولاد خوزستان حدود ۳۱ درصد از این مکانیزم بهره برده‌اند. لذا می‌توان ادعا کرد که سپردن تمام محصولات فولادی به بورس کالا در بلندمدت به هیچ عنوان دور از دسترس نیست.

راهکار بعدی اصلاح قیمت برق و گاز است. همان‌طور که در گزارش‌های پیشین حذف قیمت‌گذاری دستوری نیز به کرات تکرار شده که اصلاح قاعده قیمت‌گذاری انرژی مهمترین رکن حذف قیمت‌گذاری دستوری است، در صنعت فولاد نیز باید این اصلاح صورت پذیرد. نمودار ۴ اطلاعات مصرف انرژی کارگاه‌های صنعتی با بیشتر از ده نفر کارگر و شدت مصرف انرژی در صنایع مختلف که در ادامه آمده‌اند، نشان می‌دهند که کدام صنایع بیشتر از میانگین صنعت به طور سرانه انرژی مصرف می‌کنند و کدام صنایع پائین‌تر از میانگین هستند. همان‌طور که مشخص است بیشترین استفاده از انرژی در صنایع در تولید صنایع تولید زغال کک و فلزات اساسی است. پس اصلاح قیمت انرژی دریافتی در فولاد به مراتب اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند.



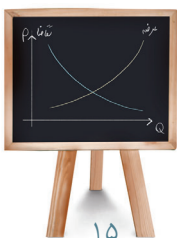
نمودار ۴: سرانه مصرف انرژی بر اساس صنایع مختلف (مرکز پژوهش‌های مجلس)



اما به موازات این اقدامات بهبود سرمایه گذاری به یک بازار مالی با منابع کافی نیاز دارد. تا زمانی که نرخ بهره به صورت دستوری پایین تر از نرخ تعادلی آن نگه داشته شود، منابع مالی به اندازه کافی تامین نمی‌شوند. در نتیجه، بهبود سرمایه گذاری در بلندمدت، وابسته به سیاست های اصلاحی در مورد نرخ بهره است. در غیر این صورت، گرچه کارگاه های صنعتی به سوی سرمایه گذاری بیشتر روی سرمایه های با انرژی بری پایین جهت گیری کرده‌اند، ولی در عمل به علت محدودیت بازار مالی، قادر به سرمایه گذاری بیشتر نخواهند بود. در نتیجه سیاست گذار با این مساله روبه رو است که چگونه نرخ بهره تا نرخ تعادلی آن افزایش پیدا کند و در عین حال، هزینه های احتمالی این اصلاح کمینه شود.

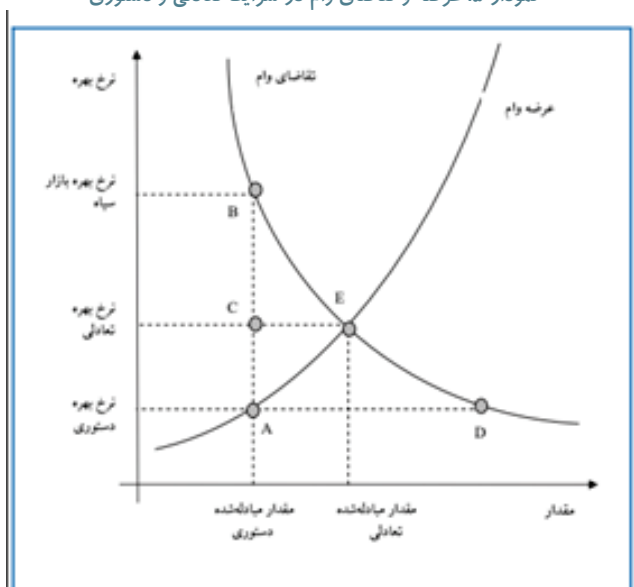
هزینه وام از دو جزء تشکیل شده است. جزء اول نرخ بهره بانکی و جزء دوم هزینه دسترسی به وام است. اگر نرخ بهره به صورت دستوری پایینتر از نرخ بهره تعادلی تعیین شود، گرچه جزء اول کاهش یافته ولی جزء دوم افزایش پیدا کرده است. در این صورت به علت ایجاد مازاد تقاضای وام (یا کسری عرضه وام) در عمل سهمیه بندی وام روی میدهد. نتیجه اینکه برای برخی شرکت‌های فولادی، دسترسی به وام ممکن نیست. در این صورت برای این صنایع هزینه دسترسی به وام بی نهایت است. در نتیجه اعمال نرخ بهره دستوری نه تنها به سرمایه‌گذاری بیشتر در این صنایع کمک نمی‌کند بلکه در عمل آنها را از دسترسی به وام محروم می‌نماید.

نمودار ۵ عرضه و تقاضای وام را در حالت های مختلف از شرایط بازار نشان میدهد. محور افقی مقدار مبادله شده وام و محور عمودی نرخ بهره را نشان میدهند. منحنی صعودی، منحنی عرضه وام است و بیانگر این منطق اقتصادی است که با ثبات باقی شرایط، هرچه نرخ بهره بیشتر باشد عرضه وام بیشتری صورت میگیرد. منحنی نزولی، منحنی تقاضای وام است و بیان میکند که بنگاه‌ها با ثبات باقی شرایط در نرخ بهره پایینتر تمایل به گرفتن وام بیشتری دارند.

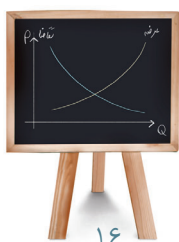


بدون دخالت دولت در تعیین نرخ بهره، تقاطع منحنی عرضه و تقاضا در نقطه E تعادل مشخص کننده مقدار مبادله شده و نرخ بهره تعادلی است. در این نقطه نه مازاد تقاضا و نه مازاد عرضه وجود دارد. اگر دولت نرخ بهره را به صورت دستوری پایین تر از نرخ بهره تعادلی قرار دهد، تقاضای وام افزایش می یابد؛ اما چون منابع محدود می شود عرضه وام کاهش می یابد و نتیجه، ایجاد تقاضای پاسخ داده نشده در بازار مالی است. در این حالت، پاره خط AD نشان دهنده مازاد تقاضای ایجاد شده است. از سوی دیگر، مبادله در بازار سیاه در نرخ بهره بالاتری نسبت به نرخ بهره تعادلی صورت خواهد گرفت. این وضعیت در عمل به سازوکارهایی مثل سهمیه بندی وام و با تشکیل بازار سیاه (مانند فروش وام با نرخهای بالاتر) منجر میشود. از دیگر امکان های تخصیص وام ممکن است فعال شدن سازوکارهای رانت جویی در کنار قدرت چانه زنی بنگاه ها در گرفتن وام باشد.

نمودار ۵: عرضه و تقاضای وام در شرایط تعادلی و دستوری



در این شرایط گرچه نرخ بهره بانکی کمتر از نرخ بهره تعادلی است اما در عمل هزینه دسترسی به وام بالا رفته است. بنگاهی که در سهمیه بندی، وام نگرفته است، در صورت مبادله آزاد در بازار، در نرخ بهره ای بالاتر از نرخ بهره تعادلی امکان مبادله دارد. پاره خط BC تفاوت نرخ بهره در این مبادله با نرخ بهره تعادلی را نشان می دهد. در چارچوب بحث شده پاره خط AB نشان دهنده هزینه دسترسی به وام در شرایط دستوری است. همان گونه که در نمودار ۵ مشخص است، هرچه نرخ بهره دستوری پایین تر از نرخ بهره تعادلی باشد، هزینه دسترسی به وام افزایش یافته و در مجموع نیز هزینه وام نسبت به حالت تعادلی افزایش می یابد. در صورتی که امکان مبادله مجدد وام وجود نداشته باشد، بنگاه هایی که در سهمیه بندی از وام بهره مند نشده اند عملاً با هزینه دسترسی بی نهایت و در نتیجه هزینه بی نهایت اخذ وام مواجه خواهند بود.



اقتصاد مجموعه به هم پیوسته ای از بازارها است و اصلاحات اقتصادی باید با توجه به تعادل توأمان این بازارها صورت بگیرد. به همین منظور، در کنار اصلاح قیمت در بازار کالاها و خدمات (اصلاح قیمت حامل‌های انرژی) اصلاحات در بازار سرمایه و بازار کار و اصلاح نرخ ارز نیز ضروری است. در مورد اصلاحات در بازار مالی با توجه به توضیحات ذکر شده، افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع نیازمند این است که در کنار اصلاح نرخ بهره، هزینه دسترسی به وام نیز کاهش یابد. هزینه دسترسی به وام در بازار مالی داخلی در صورتی که نرخ بهره از تعادل عرضه و تقاضا تعیین شود، به حداقل می‌رسد؛ اما هزینه دسترسی شامل هزینه دسترسی به انواع وام‌های خارجی نیز می‌شود. در نتیجه، در جهت تسهیل سرمایه‌گذاری صنعتی، اقداماتی نظیر رفع موانع در جهت تعامل با شبکه بانکی خارج از کشور و تسهیل شرایط بنگاه‌های اقتصادی مؤثر است. رفع نرخ بهره دستوری از طریق ایجاد تعادل در بازار مالی هزینه دسترسی به وام را در شبکه بانکی داخلی به حداقل می‌رساند و رفع موانع در جهت تعامل با شبکه بانکی خارج از کشور هزینه دسترسی به وام‌های خارجی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، تنها در صورتی در بلندمدت به بهبود وضع صنایع منجر می‌شود که نرخ بهره و نرخ ارز اصلاح شود و زمینه برای دسترسی به تکنولوژی‌های جدید و جذب سرمایه‌های خارجی مهیا شود.

جمع‌بندی

نظر به اشکالات فوق‌الذکر، راهکار نهایی اصلاح بازار فولاد با هدف در اولویت قرار دادن مشکل کمبود برخی فراورده‌ها، در ابتدا تفکیک راهکارهای ارائه شده حول بازار محصولات طولی از محصولات تخت از مهمترین اقداماتی است که باید در دستور کار قرار گیرد. در گام بعد نیز تعدیل مجوزهای اعطا شده و حذف قیمت‌گذاری دستوری در مقاطع طولی و سپردن به مکانیزم بورس کالا ایده‌آل‌ترین راه برای طراحی بازار بدون دخالت دولت می‌باشد. در مقاطع تخت نیز اقدامات کوتاه مدتی همچون تخصیص کارشناسانه سهمیه‌ها و کشف قیمت از روی عرضه و تقاضای تعادلی بازار بدون دخالت دولت باید در دستور کار قرار گیرد. در گام بعدی، برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت‌ها و حذف تدریجی سهمیه‌ها سبب خواهد شد در بلندمدت بازار فولاد به تعادل رسیده و آثار رانت و لابی فعلی از بین رفته و شاهد کمبودی در محصولات نهایی این صنعت نباشیم. شایان ذکر است تمامی موارد فوق‌الذکر نیازمند اقداماتی به موازات هر طرح می‌باشد که در خلال گزارش به آن اشاره شد. از جمله این اقدامات آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، رسیدن به ساز و کار تعادلی در خصوص بکارگیری نیروی کار و اقداماتی در راستای بازارهای مالی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت فولاد است. از آنجا که قیمت‌های جهانی تفاوت زیادی با قیمت‌های داخلی ندارد، انتظار می‌رود حذف قیمت‌گذاری دستوری هیچ‌گونه شوکی به بازارهای دیگر وارد نکرده و تبعات منفی کوتاه‌مدتی بر رفاه جامعه نگذارد.

